

بسم الله الرحمن الرحيم

1399/12/11

موضوع: «احمد الحسن»؛ جریان انحرافی نوظهور در بدنه شیعه!

سلسله مباحث مسیر تطهیر (جلسه دوم)

فهرست مطالب این برنامه:

فرقه گرایی در امت اسلامی، نتیجه کنارگذاشتن اهل بیت (علیهم السلام)

«احمد الحسن» جریان انحرافی نوظهور در بدنه شیعه!

«احمد بصری» و ادعای امامت!

حکم «کفر» و «حشر با شیطان»، جزای مدعی دروغین امامت!

«خواب» و «تفأل به قرآن»، دو معجزه مدعی دروغین یمانی!

ادله کفر و ارتداد «احمد بصری» مدعی دروغین یمانی!

الف) اهانت به حضرت ابراهیم (علیه السلام)

ب) توهین عجیب به حضرت یونس (علیه السلام)

ج) انکار خاتمیت حضرت محمد (صلی الله علیه و آله)

د) اهانت به ساحت مقدس امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

آیت الله دکتر حسینی قزوینی

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله
والصلاة على محمد رسول الله وعلى آله آل الله لاسيما على مولانا بقية الله واللعن الدائم على اعدائهم اعداء
الله إلى يوم لقاء الله.

وَ أَوْفُؤْضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ، حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ، نِعْمَ الْمَوْلَى وَ نِعْمَ النَّصِيرُ، ما شاء الله لا
حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم.

موضوع بحث ما در رابطه با جریان شناسی و قضیه‌ی «احمد بصری» و یا «یمانی» است. ما باید دقت
کنیم که در طول تاریخ، تاریخ شیعه با فرقه‌های مختلف و جریان‌های انحرافی متعددی مواجه بوده است.

فرقه گرایی در امت اسلامی، نتیجه کنار گذاشتن اهل بیت (علیهم السلام)

از همان آغاز در سال سوم بعثت که رسول اکرم (صلی الله علیه واله وسلم) ولایت امیرالمؤمنین را مطرح
فرمودند، بنابر آنچه که مورخین بزرگ اهل سنت آورده‌اند مثل «طبری» که در کتاب «تاریخ طبری» آورده و
مفصل این بحث را مطرح می‌کند. وقتی که ولایت علی مطرح شد:

«فقام القوم يضحكون»

سران قریش شروع به خندیدن و مسخره نمودن کردند.

«ويقولون لأبي طالب قد أمرك أن تسمع لابنك وتطيع»

و به ابوطالب طعنه زدند و گفتند او دستور می‌دهد که از فرزند کوچکت تبعیت کنی!

تاریخ الطبري؛ اسم المؤلف: لأبي جعفر محمد بن جرير الطبري الوفاة: 310، دار النشر: دار الكتب

العلمية - بيروت، ج 1، ص 543

واقعا این جای تأسف و تعجب است. بعد هم جریان‌های مختلفی در تاریخ اسلام در زمان حضرت رسول اکرم بوده و با مشکلات متعددی مواجه بودند، رسول اکرم با درایتی که داشتند حل کردند.

بعد از رسول اکرم مشخص شد بر این‌که چه مسائلی پیش آمد و اهل‌بیت (علیهم السلام) که عدل قرآن بودند کنار گذاشته شدند و افرادی دیگری روی کار آمدند و زمینه برای سیاست طلبان و برای کسانی که دنبال هوای نفس بودند فراهم شد.

در نتیجه این سیاست کنار گذاشتن اهل‌بیت، فرقه‌گرایی‌ها شروع شد، بحث خوارج، بحث کسانی که معتقد به ارجاء بودند و امثال این‌ها در تاریخ اسلام ظهور پیدا کردند.

بعد از آغاز غیبت صغری و قطع دست شیعه از رسیدن به امام عصرش زمینه‌های مختلفی پیدا شد برای کسانی که دنبال جریان سازی بودند، دنبال هوای نفس بودند، دنبال ریاست طلبی بودند که با ادعاهای مختلف و گوناگون جامعه را دچار تفرقه و تشتت کردند.

«احمد الحسن» جریان انحرافی نوظهور در بدنه شیعه!

یکی از مسائلی که در تاریخ شیعه برای افراد سودجو و ریاست طلب خیلی برجسته شده بحث «بابیت» و ادعای مهدویت و امثال آن بوده است. ما در طول تاریخ نزدیک 60 مورد داریم که این‌ها یا ادعای بابیت کردند و یا ادعای مهدویت کردند.

جریان‌های اخیری که در قرن دوازده و سیزدهم بود، بحث بابیت و بهائیت بود، «سید محمد علی باب» که از روحانیون سرشناس به اصطلاح شیعه بود و تحصیل کرده «نجف» بود.

بعد از ایشان «حسینعلی بهاء»، جمال ابهاء و به قولی «نقطه اولی» و امثال این‌ها بود؛ ولی اینها وقتی ظهور پیدا کردند علمای شیعه و بزرگان ساکت نشستند؛

«إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَلْيُظْهِرِ الْعَالِمُ عِلْمَهُ فَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ»

الكافي (ط - الإسلامية)، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، محقق / مصحح: غفاری
علی اکبر و آخوندی، محمد، ناشر: دار الکتب الاسلامیه، ج 1، ص 54، بَابُ الْبِدْعِ وَالرَّأْيِ وَالْمَقَائِيسِ،

ح 2

طبق این روایت مشهور، علما در برابر این جریان‌ها قیام کردند و اینها را رسوا کردند و سر جایشان نشانند.

اما قضیه اخیری که نزدیک بیست سال است با آن مواجه هستیم، قضیه‌ی «احمد بصری» است. ایشان از اطراف «بصره» آمده و به قول خودش ادعاهای دارد، و معتقد است که فرزند پنجم حضرت مهدی (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) است. می‌گوید پدرم به من دستور داده تا زمینه را برای قیام پدرم فراهم کنم!!

می‌گوید مانع اصلی قیام حضرت مهدی (ارواحنا فداه) علما و مراجع شیعه هستند و ما باید اینها را از بین ببریم تا زمینه ظهور حضرت ولی عصر را فراهم کنیم!!

چون اینها از تاریخ به خوبی فهمیده‌اند که بزرگترین سد و مانع برای پیشرفت سوجدویان، علما و مراجع هستند؛ لذا این دفعه از ابتدا آمده‌اند مراجع را مورد هدف قرار داده‌اند.

من یک سری بحث‌هایی را از روی پاورپوینت برای شما مطرح می‌کنم، تا روشن و واضح باشد، و در این فرصت کوتاه خواهران عزیز ما در جریان قرار بگیرند.

گرچه در رابطه با «احمد بصری» اگر ما بخواهیم بحث کنیم، نزدیک ده، پانزده جلسه زمان می‌برد تا این مسائل به خوبی مطرح بشود.

من فقط به یکی دو مورد از برنامه‌های ایشان اشاره می‌کنم. در آینده اگر فرصتی بود و توفیقی داشتم بیشتر توضیح می‌دهم.

«احمد بصری» و ادعای امامت!

ما نزدیک دویست کتاب از کتاب‌های اینها را که در سایت خودشان است، آن‌ها را دانلود کردیم، و مطالعه کردیم و تصویر گرفتیم تا فردا نگویند که شما دارید به ما بهتان و افترا می‌بندید و ما همچنین حرفی نزده‌ایم.

این کتابی را که ملاحظه می‌کنید کتاب «الوصیة المقدسه» است تألیف «سید احمد الحسن»، که دروغ می‌گوید این «سید» هم نیست، الان برادران و پسر عموهایش هستند و هیچ‌کدامشان ادعای سیادت ندارند.

این کتاب را ما از خود سایتشان گرفتیم (المهدیون دات آر جی) سال چاپش هم 1433 یعنی نه سال قبل است. ببینید ایشان اینجا می‌گوید:

«إنه امام من آل محمد (صلی الله علیه واله وسلم)»

ایشان امامی از آل محمد است.

و دوازدهمین فرزند رسول اکرم و امیرالمؤمنین است. این هم وصیت مقدس که خودشان آمدند ترجمه کردند. گروه مترجمان، انتشار انصار مهدی، این‌جا باز او امامی از آل محمد و دوازدهمین فرزند رسول الله و علی (علیه السلام) است.

در کتاب «متشابهات» جلد 4 صفحه 69 این‌جا دارد:

«عبد المهدی الاول من الائمه فی کلامهم»

مهدی اول مرادشان چیست؟ ما یک روایت ضعیفی داریم که می‌گوید بعد از حضرت مهدی دوازده نفر می‌آیند، آن‌ها هم دوازده مهدی هستند. البته ما روایت داریم که آن دوازده نفر امام نیستند. اما اینها همچنین مسائلی را مطرح می‌کنند.

ترجمه‌اش می‌شود: "او از مهدیین و از ائمه به شمار می‌رود." و روایاتی که می‌گوید کلمه قائم آل محمد (صلی الله علیه و علی آباءه الطاهرین)؛ می‌گوید مراد از قائم که در روایات آمده همان مهدیی اول است. مراد حضرت امام مهدی نیست. مراد همین «احمد بصری» است! از این ادعاها الی ما شاء الله دارند.

حکم «کفر» و «حشر با شیطان»، جزای مدعی دروغین امامت!

ما در جواب می‌گوییم این روایت امام صادق (سلام الله علیه) است؛ این هم کتاب «کافی» جلد 1 صفحه 372 می‌فرماید:

«مَنْ ادَّعَى الْإِمَامَةَ وَ لَيْسَ مِنْ أَهْلِهَا فَهُوَ كَافِرٌ»

هرکس ادعای امامت کند و اهلیت نداشته باشد کافر است.

الكافي (ط - الإسلامية)، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ناشر: دار الکتب الاسلامیة، ج 1، ص 372، بَابُ مَنْ ادَّعَى الْإِمَامَةَ وَ لَيْسَ لَهَا بِأَهْلٍ، ح 2

حالا این که ایشان اهلیت دارد و یا ندارد بعداً مفصل صحبت می‌کنیم. یا در کتاب «کفایة الاثر» در صفحه 246 دارد که امام باقر (سلام الله علیه) فرمود:

«إِنَّ الْأَئِمَّةَ هُمُ الَّذِينَ نَصَّ رَسُولُ اللَّهِ بِالْإِمَامَةِ»

ائمه کسانی هستند که رسول اکرم امامت آنها را به صراحت بیان کرده است.

كفایة الاثر فی النص علی الأئمة الاثني عشر؛ نویسنده: خزاز رازی، علی بن محمد، محقق / مصحح: حسینی کوهکمری، عبد اللطیف، ناشر: بیدار، ص 246

ما نزدیک سیصد روایت در کتب شیعه و سنی داریم، که ائمه بعد از رسول اکرم دوازده نفر هستند. اولین آنها امیرالمؤمنین و آخرین‌شان حضرت مهدی است. سیصد روایت است، یکی دو تا نیست. یعنی فوق تواتر است.

حدیث غدیر 110 روایت دارد، ما می‌گوییم متواتر است؛ این سیصد و اندی روایت دارد که نام ائمه (علیهم السلام) بالصراحه آمده، اولش علی است بعد امام حسن، بعد امام حسین، تا یکی یکی همه ائمه را شمرده است؛ این دیگر فوق تواتر است.

در اینجا هم حضرت می‌فرماید ائمه کسانی هستند که رسول اکرم به صراحت اسامی آن‌ها را آورده است؛

«وَاللَّهُ مَا يَدْعِيهِ أَحَدٌ غَيْرَنَا إِلَّا حَشَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى مَعَ إِبْلِيسَ وَ جُنُودِهِ»

هرکس غیر از ما دوازده نفر ادعای امامت کند، خدای عالم او را با شیطان و سپاهیان شیطان محشور خواهد کرد.

كفاية الأثر في النص على الأئمة الإثني عشر؛ نویسنده: خزاز رازی، علی بن محمد، محقق / مصحح:

حسینی کوهکمری، عبد اللطیف، ناشر: بیدار، ص 246

این نشان می‌دهد بر اینکه برای این ادعاها خط بطلان کشیده شده است. عزیزان ما توجه دارند که ائمه ما به این سادگی نمی‌آمدند ادعای امامت کنند، معجزات و کراماتی از ائمه (علیهم السلام) بوده و کسانی که شک داشتند و تشکیک می‌کردند، ائمه مطالبی از غیب و مسائلی برای آنها بیان می‌کردند، کرامات و معجزاتی نشان می‌دادند تا قضیه برایشان روشن بشود.

«خواب» و «تفأل به قرآن»، دو معجزه مدعی دروغین یمان!

این آقایان یمانی ها هم آمدند استدلال به «خواب» می‌کنند و می‌گویند شما نیت کنید بخوابید، اگر کسی به خواب تان آمد و حقانیت ما را مطرح کرد، بدانید بر این که ما حق هستیم.

در کتاب‌های خودشان هم است که افراد زیادی می‌آیند خواب نمی‌بینند، در جواب می‌گویند: آقا نیتت خراب بود، دوباره نیت کن؛ دوباره نیت می‌کند ولی باز خواب نمی‌بیند.

یا خواب می‌بیند، مخصوصاً بعضی‌هایی که واقعاً نیت پاکی دارند، در خواب می‌بینند که این‌ها آدم‌های منحرف و گمراهی هستند. ولی اینها در جواب می‌گویند: نه طینت تو خراب است که این‌طور خواب دیدی؛ اگر طینت تو خراب نبود، خواب خوب می‌دید!!

یا می‌گویند: با قرآن استخاره کنید ببینید چه آیه‌ای می‌آید. اگر آیه عذاب آمد ما باطل هستیم و اگر آیه رحمت آمد ما حق هستیم. آدم قرآن را باز می‌کند، می‌بیند آیه عذاب آمده، ولی باز اینها قبول نمی‌کنند. اولاً در مورد تَقَالَ به قرآن، ما روایت داریم که این کار درست نیست. ائمه (علیهم السلام) از تَقَالَ به قرآن نهی کردند.

ثانیاً در این معجزه این آقایان، بارها هم بوده که افرادی به قرآن تمسک کردند، آیه عذاب آمده است! ولی اینها می‌گویند: نه آقا شما نیتت خراب بوده. می‌گوید دوباره من استخاره کردم، باز آیه عذاب آمد! می‌گویند تو سرشتت فاسد و بد است. چون سرشت تو این‌طوری است لذا آیات خوب نمی‌آید!

بحث دیگری که من خیلی مصرم در اینجا مطرح بشود، اهانت این‌ها به مقدسات است. ایشان در سال 1426 حدود شانزده، هفده سال قبل یک نامه‌ای به بزرگان و علما نوشته بود. ایشان اسم ما را هم در این نامه به عنوان نفر دوم ذکر کرده است.

عزیزان به نامه ایشان دقت کنند:

«رسالة الی السید القائد و عدد من... نشر احمد اسماعیل رسالة مفتوحة الی السید القائد

الخامنه‌ای»

در ادامه دارد که:

«اما بعد الى السيد العلي الخامنهای السلام عليكم ورحمة الله، الى السيد القزويني في ايران السلام عليكم ورحمة الله»

بعد هم آقای «کورانی»، «مقتدا صدر»، «عبدالحمید مهاجر» و امثال این‌ها را نام برده بود. ما تقریباً پنج، شش سال قبل بود، اعلام کردیم ما حاضریم در رابطه به این‌که ایشان مرتد و کافر است، با ایشان مناظره و مباحله کنیم، ولی ایشان جواب نداد!

دوباره امسال یکی دو ماه قبل در فضای مجازی اتباع «احمد بصری» گفتند چرا آقای قزوینی نامه به «مکتب نجف» نمی‌نویسد؟

مسئولیت «مکتب نجف» با «ناظم العقیلی» است؛ مدعی هستند که «احمد بصری» وکالت تام به ایشان داده و کلام «مکتب نجف» کلام «احمد بصری» است!!

ما حدود یک ماه قبل در شبکه جهانی حضرت ولی عصر (ارواحنا له الفداء) رسماً یک نامه‌ای به زبان فارسی و عربی نوشتیم و همانجا هم ایمیل کردیم، همه مردم و بینندگان هم دیدند و جواب ارسال ما هم آمد و به مردم نشان دادیم.

یک هفته هم به «احمد بصری» فرصت دادیم و گفتیم ما هم برای مناظره و هم برای مباحله حاضریم. موضوع مناظره هم «کفر و ارتداد احمد بصری» است. بعد از یک هفته ما دیدیم خبری نشد و خیلی از طرفدارانش در فضای مجازی دچار سرگردانی و حیرت شدند. اینها بی‌چاره شده بودند که ما چه خاکی به سرمان بریزیم و چه کار کنیم و چه کار نکنیم!

ادله کفر و ارتداد «احمد بصری» مدعی دروغین یمانی!

در مورد دلیل بر کفر ایشان من چند تا نکته را عرض کنم، عزیزان دقت کنند.

الف) اهانت به حضرت ابراهیم (علیه السلام)

ایشان در کتاب «المتشابهات» جلد اول که دارد: "نویسنده، وصی و رسول امام المهدی سید احمد الحسن"؛ ایشان در اینجا صفحه 29 در رابطه با حضرت ابراهیم می‌گوید:

"حضرت ابراهیم (علی نبینا و آله وعلیه السلام) وقتی ملکوت آسمان‌ها برای او کشف شد، نور حضرت قائم را دید، گفت این پروردگار من است، زمانی که نور حضرت امام علی را دید گفت این پروردگار من است، نور حضرت محمد را دید گفت این پروردگار من است. حضرت ابراهیم نتوانست تمییز دهد که آنها مخلوق هستند."

یعنی حضرت ابراهیم (علی نبینا و آله وعلیه السلام) نمی‌تواند تشخیص بدهد این نور خمسه طیبه هست و یا خدا!

بینید این بدترین توهین به حضرت ابراهیم است. قرآن در آیه 125 سوره نساء می‌فرماید:

(وَاتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا)

و پیرو آیین خالص و پاک ابراهیم گردد.

سوره نساء (4): آیه 125

به رسول اکرم دستور می‌دهد از شریعت ابراهیم تبعیت کند. در آیه 95 آل عمران به مردم می‌گوید:

(فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا)

از آیین ابراهیم پیروی کنید!

سوره آل عمران (3): آیه 95

ابراهیمی که نمی‌تواند تشخیص بدهد، این نور اهل بیت است و یا - نستجیر بالله - خدا است، آیا شایستگی برای تبعیت دارد؟

یک آدمی که اینچنین نسبتی به یک پیغمبر بزرگواری مثل حضرت ابراهیم بدهد حکمش چیست؟ آیا حکم این شخص، غیر از کفر و ارتداد چیز دیگری است؟

(ب) توهین عجیب به حضرت یونس (علیه السلام)

ایشان نسبت به حضرت «یونس» (علی نبینا و آله و علیه السلام) در کتاب متشابهات جلد 4 که نویسنده خودش است می‌گوید: "یونس در شکم ماهی مُرد و روحش به ظلمات جهنم نگرِیست!!"

تا آنجا که ایشان در صفحه 106 می‌گویند: "من حقیقت را آشکار می‌کنم جسد او - یعنی جسد حضرت یونس - در بیابان عریان و بی سرپناه افتاد و روحش در طبقات جهنم تا روز بر انگیزته شدن باقی ماند."

یعنی حضرت «یونس» - نستجیر بالله، نستجیر بالله - روحش تا روز قیامت در طبقات جهنم رفت. آیا این کفر است، یا کفر نیست؟

شما ببینید قرآن در رابطه با حضرت یونس چه می‌گوید:

(وَدَا النُّونَ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ؛ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْعَمِّ وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ)

و ذالنون [= یونس] را (به یاد آور) در آن هنگام که خشمگین (از میان قوم خود) رفت؛ و چنین می‌پنداشت که ما بر او تنگ نخواهیم گرفت؛ (اما موقعی که در کام نهنگ فرو رفت،) در آن ظلمتها (ی متراکم) صدا زد: «(خداوندا!) جز تو معبودی نیست! منزهی تو! من از ستمکاران بودم!» ما دعای او را به اجابت رساندیم؛ و از آن اندوه نجاتش بخشیدیم؛ و این گونه مؤمنان را نجات می‌دهیم!

سوره انبیاء (21): آیه 87 و 88

می‌فرماید: ما حضرت یونس را از غم نجات دادیم و مؤمنین را هم اگر مثل حضرت یونس استغفار کنند و از خدای عالم طلب رحمت کنند نجات می‌دهیم. در سوره صفات آیه 139 می‌فرماید:

(وَإِنَّ يُونُسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ)

و یونس از رسولان (ما) است!

سوره صافات (37): آیه 139

خداوند می فرماید یونس از پیامبران است. ولی نستجیر بالله این آقا می گوید «یونس» به جهنم رفت! در حالیکه قرآن کریم می فرماید:

(فَنَبِّدْنَاهُ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ سَقِيمٌ؛ وَأَنْبَتْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِنْ يَفْطِينٍ؛ وَأَرْسَلْنَاهُ إِلَى مِائَةِ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ؛ فَآمَنُوا فَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَى حِينٍ)

(به هر حال ما او را رهایی بخشیدیم و) او را در یک سرزمین خشک خالی از گیاه افکندیم در حالی که بیمار بود! و بوته کدوئی بر او رویاندیم (تا در سایه برگهای پهن و مرطوبش آرامش یابد!) و او را به سوی جمعیت یکصد هزار نفری -یا بیشتر- فرستادیم! آنها ایمان آوردند، از این رو تا مدت معلومی آنان را از مواهب زندگی بهره مند ساختیم!

سوره صافات (37): آیات 145 تا 148

(فَنَبِّدْنَاهُ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ سَقِيمٌ؛) او را ما به ساحل نجات دادیم؛ (وَأَرْسَلْنَاهُ إِلَى مِائَةِ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ)؛ حضرت یونس را به قومش که صد هزار نفر یا بیشتر بودند مبعوث کردیم؛ (فَآمَنُوا) قومش ایمان آوردند، (فَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَى حِينٍ) تا مدتی هم اینها زندگی کردند.

ببینید این چقدر روشن و واضح است که خدای عالم در قرآن می گوید ما حضرت «یونس» را نجات دادیم، به قومش مبعوث کردیم، قومش هم ایمان آوردند و مدتی هم با قومش زندگی کرد، (فَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَى حِينٍ)! اما این آقا می گوید: یونس در طبقات جهنم رفته است.

در این جا ما چند تا نکته داریم که آقا ایشان آمده آیه قرآن را انکار کرده است. کسی که آیه قرآن را انکار کند حکمش چیست؟ شیعه، سنی همه معتقدند کسی که منکر آیه قرآن باشد کافر است.

از آن طرف افزون بر این که ایشان آیه قرآن را انکار می‌کند، می‌آید نسبت به یک پیغمبر بزرگواری که قرآن می‌گوید:

(وَإِنَّ يُونُسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ)

و یونس از رسولان (ما) است!

سوره صافات (37): آیه 139

ایشان را - نستجیر بالله - می‌گوید اهل آتش جهنم است. یعنی از دو جهت کفر و ارتداد ایشان کاملاً ثابت می‌شود. آیا کفری بالاتر از این؟ ارتدادی بالاتر از این؟! که یک کسی بیاید آیه‌ای از آیات قرآن را انکار کند و پیغمبری از پیامبران بزرگوار الهی را - نستجیر بالله - بگوید ایشان اهل جهنم است!!
ما بارها گفتیم آقا بیا مناظره، بیا مباحله؛ ولی نه خودش و نه مکتب نجف‌شان حاضر برای مناظره و مباحله نشدند!

(ج) انکار خاتمیت حضرت محمد (صلی الله علیه و آله)

نکته سوم: قرآن نسبت به رسول اکرم می‌فرماید:

(مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا)

محمد (ص) پدر هیچ یک از مردان شما نبوده و نیست؛ ولی رسول خدا و ختم‌کننده و آخرین پیامبران است؛ و خداوند به همه چیز آگاه است!

سوره احزاب (33): آیه 40

قرآن می‌فرماید: حضرت محمد پدر کسی از شماها نیست، پیغمبر خدا و خاتم انبیاء است، ولی ایشان به صراحت در کتاب نبوت خاتمه می‌گوید: "ختم نبوت، ختم پایان آن و یا انتها و توقف آن امر غیر صحیح است."

این را هم تمام مسلمان‌ها شیعه و سنی همه معتقدند رسول اکرم خاتم انبیاء است. ولی ایشان می‌گویند نه، خاتم انبیاء نیست و جالب این است که ایشان در کتاب «متشابهات» جلد چهارم صفحه 125 می‌گویند: "اولین از مهدیین - یعنی خودش- دو مقام رسالت و ولایت را باهم دارد"

(د) اهانت به ساحت مقدس امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

نکته چهارم: ایشان نسبت به حضرت امیر (سلام الله علیه) می‌آید می‌گویند: "اگر چنان چه حضرت آن ظلمت کوچک در وجودش نبود؛ «فلو لم یکن فیه هذا الحال لکان محمد»؛ اگر این ظلمت کوچک در وجود امیر المؤمنین نبود او پیغمبر بود."

ببینید وقاحت و بی‌شرمی را تا کجا می‌برد؟! او ظلمت در وجود حضرت امیر را اثبات می‌کند و می‌گوید اگر این نبود دیگر لازم نبود پیغمبر بیاید، حضرت علی به جای پیغمبر می‌آمد!!

یا در آیه شریفه:

(إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ)

که انسانها همه در زیانند

سوره عصر (103): آیه 2

در کتاب «المتشابهات» جلد سوم به صراحت می‌گویند: "امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) «فهو الانسان وهو فی الخسر»! (إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ)؛ انسان در ضرر است، مراد امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) است." با این‌که ما روایات متعدد داریم. کتابی که ملاحظه می‌کنید کتاب «کمال الدین» اثر «شیخ صدوق» است که نقل می‌کند از امام صادق که می‌فرماید:

«(إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ) يَغْنِي أَعْدَاءَنَا»

دشمنان ما در خسران هستند.

کمال الدین و تمام النعمة؛ ابن بابویه، محمد بن علی، محقق/ مصحح: غفاری، علی اکبر، ناشر:

اسلامیه، ج2، ص 656

ولی ایشان می‌آید اعدئا را - نستجیر بالله - به وجود مقدس حضرت امیر (سلام الله علیه) تفسیر می‌کند!!

این‌ها همه نشان می‌دهد که این آقا آمده برای رسیدن به آن اهداف شومش، نسبت به حضرت ابراهیم آن نسبت را می‌دهد، به حضرت یونس نسبت دیگری می‌دهد، نسبت به حضرت پیامبر، منکر ختم نبوت می‌شود و نسبت به حضرت امیر هم آن حرف را می‌گوید.

ایشان حتی نسبت به حضرت ولی عصر (ارواحنا له الفداء) می‌گوید در وجود حضرت هم ظلمت بوده است!!

این‌ها همه نشان می‌دهد بر این‌که این آقا برای فتنه‌گری آمده است و دست نشانده استکبار جهانی و اسرائیل است و برای ایجاد تفرقه میان شیعه آمده است.

چون دشمن از روز اول فهمید اگر با اسلام راستین محمدی (صلی الله علیه و آله وسلم) بخواد با نام اسلام مبارزه کند شکست می‌خورد. قریش بیست و یک سال با اسلام در زیر پرچم کفر جنگیدند، بعد از بیست و یک سال، در سال هشتم هجری شکست خوردند. ولی همین کفر در «جنگ صفین» در لباس اسلام آمد و مسلمین را شکست داد.

دشمنان ما فهمیده‌اند که توان بحث علمی را با شیعه ندارند، توان مقابله نظامی با شیعه را ندارند، بهترین راه این است که این چنین عروسک‌های خیمه شب بازی را درست کنند و هرچند وقت، یک نفر را بزک کنند و به میدان بیاورند تا اختلاف میان شیعه ایجاد کنند و این‌طور تفرقه ایجاد کنند.

این مطلب را من بارها گفتم، بنده خودم توفیق داشتم در «عربستان» بیش از دویست جلسه مناظره با وهابی‌ها داشتم، اول انقلاب با کمونیست‌ها مناظره داشتم، با بهائی‌ها مناظره داشتم، با قطب صوفی‌ها مناظره داشتم، من والله العلی الاعلی یک فرقه‌ای بی منطق‌تر از «فرقه یمانی» و «احمد بصری» ندیدم!

وهابی برای این که بخواهد حقانیت خودش را اثبات کند یک حرفی دارد و انسان باید برود جواب بدهد؛ ولی اینها یک حرفی که بیایند پنج دقیقه روی آن صحبت کنند ندارند، یک کسی که الفبای اسلام را فهمیده باشد، الفبای اسلام را می‌گوییم نه شیعه! می‌داند بر این که این آقا دست نشانده استکبار است و می‌خواهد با توهین به مقدسات و جسارت به ساحت مقدس انبیاء و ائمه (علیهم السلام) این مباحث را جلو ببرد.

من تأسف می‌خورم از این که بعضی‌ها فریب این شیطان و یا به تعبیر «آیت الله کورانی» دجال بصره را می‌خورند؛ ولی الحمد لله رب العالمین با این اعلان مناظره‌ای که ما امسال داشتیم، خیلی از طرفداران‌شان متوجه شدند که تمام اینها دروغ است.

من این را هم قطعا اعلام می‌کنم که «احمد بصری» وجود خارجی ندارد و این شخص وجود وهمی و خیالی است. اگر هم بوده در سال 1385 که می‌خواستند «نجف» را تصرف کنند و مراجع و علما را بکشند، پلیس «نجف» این‌ها را تار و مار کرد و اعلام کرد «احمد بصری» و معاونش را هم به درک واصل کرده‌اند.

امیدواریم همه عزیزان ما در «حوزه علمیه قم»، «تهران» و «مشهد» که این برنامه را مشاهده می‌کنند، ان شاء الله استفاده ببرند و من این پاورپوینت را هم در اختیار «حوزه علمیه خاوران قم» قرار می‌دهم تا ان شاء الله در سایت‌هایشان قرار بدهند هرکدام از بزرگواران خواستند دانلود کنند و از آن استفاده کنند.

خدا بر همه عزیزان ان شاء الله توفیق عنایت فرماید و در برابر این انحرافات همه موفق باشند و «احمد بصری» نه اولین فتنه است و نه آخرین فتنه خواهد بود.

ما همین‌طور در انتظار فتنه‌های بعدی هستیم و آن روایت رسول اکرم را حتما در نظر بگیرند که عرض کردیم حضرت فرمودند:

«إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَلْيُظْهِرِ الْعَالِمُ عِلْمَهُ فَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ»

هر گاه بدعت و فتنه‌ای آغاز شد بر عالمان واجب است که در برابر این فتنه بی ایستند. اگر در برابر این فتنه‌ها علما و آگاهان نایستند و این‌ها را رسوا نکنند خدای عالم این عالمان خاموش را لعنت خواهد کرد!

الكافي (ط - الإسلامية)، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، محقق/ مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ناشر: دار الکتب الاسلامیة، ج 1، ص 54، بَابُ الْبِدْعِ وَالرَّأْيِ وَالْمَقَائِيسِ،

ح 2

«والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته»